نکته

مالیاتی که از جیب مخاطب می‌رود

■ سینمادارانی که سال‌های قبل مالیات بر ارزش‌افزوده را از جیب خود پرداخت می‌کردند، از ابتدای سال‌جاری این مالیات را رسما از مخاطبان سینما دریافت می‌کنند. اکنون بسیاری از سینماهای پرمخاطب تهرانی ـ مخصوصا پردیس‌های سینمایی ـ مجبور شده‌اند، بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ تومان برای هر بلیت مالیات بر ارزش افزوده دریافت کنند.

برای پیگیری این موضوع، ایسنا به سراغ مدیران سینما «آزادی» و «اریکه ایرانیان» (از پرمخاطب‌ترین سینماهای کشور) و سینما «شکوفه» (از سینماهای جدیدالتاسیس محدوده جنوب تهران) رفته و نظر آنها را درباره این موضوع جویا شده است. رضا سعیدی‌پور ـ مدیر سینما «آزادی» ـ درباره دلیل دریافت مالیات بر ارزش افزوده از مخاطبان گفت: مالیات بر ارزش افزوده قانونی است که در مجلس شورای اسلامی تصویب و برای کل اصناف کشور ابلاغ شده است. وی درباره اینکه چرا این مبلغ سال گذشته از مخاطبان سینما، دریافت نمی‌شد؟ بیان کرد: سال گذشته این رقم را از جیب‌مان پرداخت می‌کردیم، چرا که سال قبل بلیت چهار هزار تومان بود و مالیات بر ارزش افزوده هم چهار درصد محاسبه می‌شد، بنابراین ما باید از هر مخاطب ۱۶۰ تومان دریافت می‌کردیم اما ترجیح دادیم با توجه به کمبود پول خرد و با توافقی که با پخش‌کنندگان داشتیم، این رقم را بین خودمان و دفتر پخش تقسیم و به دارایی پرداخت کنیم.

مدیر سینما «آزادی» در عین حال ادامه داد: از سال جدید، قیمت بلیت فیلم‌ها پنج هزار تومان شد و مالیات بر ارزش افزوده هم پنج درصد محاسبه می‌شود. بنابراین برای هر بلیت سینما «آزادی» باید ۲۵۰ تومان مالیات پرداخت شود، در این شرایط ما به عنوان سینمادار و پخش‌کننده به عنوان صاحب اثر نمی‌توانیم چنین هزینه سنگینی را در مجموع پرداخت کنیم. سعیدی‌پور با اشاره به فروش سال گذشته سینما«آزادی» توضیح داد: سال گذشته فروش سینما «آزادی» چهار میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان بود که حدود ۸۰ میلیون تومان از درآمد خود را به سهم پنج‌درصدی مالیات بر ارزش افزوده‌مان اختصاص دادیم؛ اما اگر حساب کنیم که در سال‌جاری باز هم همان فروش سال قبل را داشته باشیم باید بیش از ۱۵۰میلیون تومان مالیات بر ارزش افزوده پرداخت کنیم که این رقم به جز پنج درصدی است که باید به عنوان عوارض شهرداری بپردازیم.

وی ادامه داد: بنابراین احساس کردیم که پرداخت این هزینه‌ها مشکلات زیادی را برایمان ایجاد خواهد کرد و ترجیح دادیم با توضیحاتی که به مخاطب می‌دهیم مانند صنوف دیگر آن را از مشتری دریافت کنیم. در ادامه مهدی اسلامی ـ مدیر پردیس سینمایی «اریکه ایرانیان» ـ نیز با بیان اینکه اکنون کمتر از یک سال است که مالیات بر ارزش افزوده را از مشتریان دریافت می‌کنیم، گفت: اکنون برای سالن بزرگ «اریکه ایرانیان» ۲۵۰ و سالن‌های کوچک‌مان ۲۰۰ تومان مالیات بر ارزش افزوده از مخاطبان دریافت می‌کنیم چراکه نمی‌توانیم در این شرایط و وضعیت تعداد مخاطبان، این هزینه را از درآمد سینما پرداخت کنیم.

وی در عین حال به سوالات و ابهامات مخاطبان درباره دریافت این مبلغ اشاره و عنوان کرد: ما علت دریافت مالیات بر ارزش افزوده را روی بلیت‌ها و همچنین در تلویزیون‌های اعلانات سینما اعلام کرده‌ایم، اما باز هم برخی از مردم با تعجب علت دریافت مالیات بر ارزش افزوده را از ما می‌پرسند؛ در حالی که دریافت این مبلغ مطابق قانون انجام می‌شود. اما میررحیمی مدیر پردیس سینمایی «شکوفه» می‌گوید که ما هنوز این مالیات را از مخاطبان دریافت نمی‌کنیم.

مدیر پردیس «شکوفه» درباره علت دریافت نکردن مالیات بر ارزش افزوده به ایسنا توضیح داد: ترجیح دادیم که اکنون با توجه به افزایش قیمت بلیت و به دلیل حمایت از مخاطبان، همان قیمت تعیین شده وزارت ارشاد برای بلیت‌ها را دریافت کنیم و مالیات بر ارزش افزوده را خودمان پرداخت کنیم. وی در عین حال یادآور شد: شاید ما نیز مجبور شویم در ماه‌های آینده این هزینه را از مخاطبان دریافت کنیم، البته در حال حاضر نیز می‌توانیم با توجه به ابلاغیه‌های قانونی این کار را انجام دهیم، اما ترجیح می‌دهیم که مخاطبان راحت‌تر این سینما را برای دیدن فیلم‌ها انتخاب کنند چون با بلیت‌های فعلی هم برخی از همشهریان‌مان نمی‌توانند به سینما بیایند. دریافت مالیات بر ارزش افزوده از سینماها در شرایطی انجام می‌شود که در ماه‌های قبل بسیاری از سینماداران، پرداخت این هزینه و همچنین عوارض شهرداری را علاوه بر هزینه‌های انرژی، پس از هدفمندی یارانه‌ها غیرممکن و به ضرر سینمای ایران ارزیابی می‌کردند.

این در حالی است که بهمن دری معاون فرهنگی وزیر ارشاد روز ۳۰ فروردین در نشستی گفته بود که «در سال ۱۳۸۰ بند «ل» ماده ۱۳۹ به تصویب رسید که بر اساس آن، همه مراکز مطبوعاتی، فرهنگی ـ هنری و موسسات انتشاراتی و کتاب‌فروشی‌ها که با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کنند، از معافیت مالیاتی برخوردار شوند.» حال در این شرایط اقتصادی و وضعیت کلی افت مخاطبان سینما، باید دید بنا به گفته معاون فرهنگی وزیر ارشاد آیا سینماها هم مشمول «مراکز فرهنگی ـ هنری معاف از مالیات» خواهند شد یا خیر؟

پولاد کیمیایی:

تحمل میهمان نداریم

مرسده بابایی

کمی قبل از گفت‌وگو با پولاد کیمیایی به دفتر رسیدیم و این فرصتی شد تا در غیاب پسر با پدر صحبت کنیم. از او درباره نقش‌های جدید و متفاوت پولاد پرسیدیم. این گفت‌وگو در آخرین روزهای اکران «گشت ارشاد» انجام شد و کیمیایی پدر، مهیای رفتن به سینما بود. هرچند تلاش می‌کرد تا اضطرابش از تماشای بازی پسر را، در پشت ابهت کیمیایی گونه‌اش پنهان کند اما اینجا دیگر دنیای سینمای او نبود که همه چیز تحت کنترلش باشد و او نگرانی‌های پدرانه خودش را داشت. پولاد کیمیایی درباره نحوه حضور در فیلم‌های سینمایی نکته‌هایی دارد.

■■■

در فیلمی بازی کردید که جنجال‌هایش بیش از اندازه بود و به لحاظ ساختاری سردرگم به نظر می‌رسد، فیلم «گشت ارشاد» سیاسی است یا اجتماعی است یا کمدی؟

اتفاقا من در این مورد حرف‌های زیادی دارم، این دقیقا همان چیزی است که مشکلاتی را برای فیلم ایجاد کرده، این فیلم اصلا سیاسی نیست، «گشت ارشاد» یک فیلم کاملا اجتماعی است. در اصل قرار است ما یک موضوع جدی را به بهانه یک فیلم طنز جور دیگری ببینیم، قرار نیست گشت ارشاد را ببینیم و بخندیم قرار است با یک لایه شیرین و یک نگاه آرام، یک موضوع خیلی جدی اجتماعی را بسنجیم چون موضوع، موضوع عمیقی است که نسل جوان بسیار با آن در ارتباط است، حساسیت‌برانگیز شده و انگ فیلم سیاسی را به دوش می‌کشد.

اما نگاه مخاطب به این فیلم، بیشتر به کمدی نزدیک است یعنی مخاطب دقیقا احساس می‌کند که کمدی می‌بیند.

این مساله مربوط به همان بحث ریشه‌دار و تعریف اشتباه کمدی در سینمای ما می‌شود، از سینمای باستر کیتون و چارلی چاپلین تا امروز شما می‌بینید که کمدی در اصل یک هسته تراژیک بسیار قوی در خود دارد، شما فیلم‌های بیلی وایلدر را هم که نگاه می‌کنید به ظاهر می‌خندید اما همه آنها کمدی‌های تلخی هستند که دارند تراژدی را به تصویر می‌کشند. «گشت ارشاد» هم همین قصد را دارد، درست است که لایه‌های رویی فیلم مخاطب را می‌خنداند ولی در اصل یک کمدی تلخ محسوب می‌شود. فیلم سه شخصیت دارد که از جامعه پس زده شده‌اند و حالا با همین جامعه روبه‌رو می‌شوند. سه‌تا آدم ولگرد، بی‌سواد و غیرمتعهد که ادای نهادی را در می‌آورند که اتفاقا باقاعده و قانونمند است و کاری که این سه نفر با جامعه انجام می‌دهند، تخریب است.

اتفاقی که برای اکران «گشت ارشاد» افتاد، چقدر به وجهه بازیگری شما ضربه زد؟

این دقیقا همان چیزی است که می‌خواهم در موردش صحبت کنم. ببینید شما وقتی در یک فیلم بازی می‌کنید دیگر فقط به نقش خودتان فکر نمی‌کنید، من الان خودم را یکی از صاحبان این اثر می‌دانم. شما در ابتدای صحبت‌مان پرسیدید فیلم سیاسی است یا اجتماعی؟ وقتی برای یک موضوع اجتماعی که ارشاد مردم است نیرو تعیین می‌شود خودبه‌خود تبدیل به موضوع سیاسی می‌شود. می‌گوییم گشت ارشاد اما این رفتار واقعا ارشادگونه است؟! فیلم «گشت ارشاد» اکران می‌شود، از خود وزارت ارشاد پروانه ساخت و نمایش می‌گیرد، در جشنواره فیلم فجر نمایش داده می‌شود اما برخورد ارشادگونه‌ای با آن نمی‌شود. مگر فرهنگ چقدر قدرت و تحمل دارد؟ من هنرمند دوامم چقدر است؟ من می‌توانم کل زندگیم را جمع کنم، از همه هستی و توانم مایه بگذارم، از خیلی وعده وعیدها بگذرم، از مدیر مربوطه خودم مجوز بگیرم، یک فیلم مستقل بسازم تا حرف مردم و تماشاگرم را بزنم فیلم مورد توجه مردم قرار بگیرد بعد یک نهاد نامشخص فیلم را بکشد پایین. چندبار این اتفاق می‌تواند برای یک هنرمند بیفتد. اگر قرار است ما خانه سینما نداشته باشیم، صنف وجود نداشته باشد، وزارت ارشاد هم زیر سوال برود پس هنرمند به کجا می‌تواند اتکا داشته باشد؟ امنیت و آینده او از کجا باید تضمین شود؟

ما قبلا هم فیلم عبدالرضا کاهانی (اسب حیوانی نجیبی است) را با موضوع مشابه داشتیم که اتفاقا خیلی هم جدی و مستقیم به موضوع پرداخته بود، اما فیلم در مدت مشخص شده نمایش داده شد و فروش میلیاردی هم داشت. شما دلیل این اتفاق برای «گشت ارشاد» را چه می‌دانید؟

من مطمئنم ۷۰درصد کسانی که به فیلم انتقاد می‌کنند اصلا فیلم را ندیده‌اند؛ دوم اینکه باید اجازه بدهیم در هر کاری متخصص آن کار نظر بدهد. اگر من در جراحی تخصص نداشته باشم دست به چاقو ببرم صددرصد باعث مرگ بیمارم خواهم شد، بی‌تجربه دست به چاقو نبریم. این رادیکالیسم که امروز گریبانگیر هنر ما شده، دارد ریشه فرهنگ ما را می‌زند. البته من این انتقاد را هم دارم که شاید زمان مناسبی برای اکران «گشت ارشاد» نبود یعنی «گشت ارشاد» نباید با «زندگی خصوصی» در یک جدول اکران قرار می‌گرفت. تا حدودی ترکش آن فیلم به «گشت ارشاد» هم خورد و ما تا حدودی قربانی آن هم شدیم.

انگار صحبت کردن درباره وضعیت اکران فیلم برایتان جالب‌تر از صحبت درباره بازی و نقش‌تان در فیلم است.

بله. برای اینکه ما اصلا انتظار زیادی برای فیلم نداشتیم، فقط می‌خواستیم به این فیلم هم اجازه داده شود تا مثل فیلم‌های دیگر زمان اکرانش بگذرد اما آنقدر تحمل و صبرمان پایین است که حتی نمی‌گذاریم زمانی که برای اکران مشخص شده بگذرد بعد به قضاوت بنشینیم. وقتی میهمانی به خانه شما می‌آید و شما با او اختلاف‌نظر دارید قطعا او را بیرون نمی‌کنید، تحمل می‌کنید تا او برود، هنر و سینما سلیقه‌ای است، همیشه عده‌ای هستند که یک فیلم را دوست ندارند، تحمل کنند مدت اکران آن فیلم تمام می‌شود؛ ما این روزها تحمل میهمان نداریم. ما داریم تحریم‌های بزرگ دنیا را تحمل می‌کنیم برای اینکه نمی‌خواهیم زیر بار حرف زور برویم، چطور می‌شود این شعارها را با این رفتارهای متناقض باور کرد، وقتی در داخل به جان هم افتاده‌ایم؟ واقعا این‌طوری می‌خواهیم در مقابل استکبار جهانی بایستیم؟ بیایید یکبار از منظر دیگری به مساله نگاه کنیم و آستانه تحمل‌مان را برای پذیرش نقد بالا ببریم و از منظری نگاه کنیم که سازنده باشد. این رفتار سرکوبگرانه هیچ اتفاق مثبتی را ایجاد نمی‌کند، نه در من تماشاگر و نه در آن مسوولی که پشت میز نشسته است.

اما در این فیلم بازی کردید و نقش «عطا» در «گشت ارشاد» ریسک بزرگی برای شکستن تصویر قبلی بود.

اصلا سینما و بازیگری چیزی جز ریسک نیست و بیشتر ستارگان سینمای ما با همین ریسک‌ها متولد شدند اما این جسارت اول باید از طرف کارگردان اتفاق بیفتد چون من بازیگر که همیشه از این تفاوت در نقش استقبال می‌کنم. ولی آیا سینمای ما این فضا را ایجاد می‌کند؟ آیا همه کارگردان‌های ما این ریسک را می‌پذیرند؟ خب وقتی آقای سهیلی این ریسک را می‌پذیرد من هم می‌پذیرم، چرا نپذیرم وقتی می‌بینم این طنز از جنس من است و من از پس آن بر می‌آیم.

در مورد پولاد کیمیایی اما داستان این ریسک کمی متفاوت است چون عمر هنری شما همیشه با سینمای مسعود کیمیایی عجین بوده و خیلی‌ها منتظر بودند تا ببینند این اتفاق چه زمان، به چه شکل و با چه فیلمی می‌افتد. پولاد کیمیایی پس از چند تجربه در سریال و فیلم به چه نتیجه‌ای با خودش رسید که فکر کرد این انتخاب را باید الان و با فیلم «گشت ارشاد» داشته باشد؟

درست می‌گویید این شکافتن برای من خیلی مهم بود، چون من فضایی را تجربه کردم که در آنجا کارم نتیجه داده و یک قاب تعریف شده و کلیشه‌ای برای خودم ساختم، هر چند که جهان مسعود کیمیایی و قهرمان سینمای کیمیایی بودن خواه‌ناخواه شما را محکوم به پذیرش این کلیشه می‌کند. اما درباره پیشنهاد آقای سهیلی خوشحال شدم از جسارت ایشان در شکستن تصویر من و خب اولین چیزی که برایم مهم است خود اثر است. وقتی سوژه و داستان «گشت ارشاد» را پسندیدم، بعد به نقش خودم فکر کردم. گشت ارشاد بیرون از همه مسایل حاشیه‌اش تجربه خیلی خوبی برای من بود. کار کردن با آقای سهیلی را خیلی دوست داشتم، فکر نمی‌کردم آنقدر راحت و آرام بتوانم با ایشان کار کنم. به‌خصوص برای من که در ژانر و فضای دیگری کار کرده بودم، ریسک بزرگی بود.

قبل از «گشت ارشاد» هم پیشنهادهایی داشتید که شخصیت‌های متفاوتی با شخصیت‌های سینمای کیمیایی داشته و رد کرده باشید؟

تعداد پیشنهادهای رد شده زیاد بوده ولی نمی‌توانم اسم بیاورم. از کارگردان‌هایی که کمتر بازیگری جرات می‌کند پیشنهادش را رد کند، چون نام کارگردان آنقدر بزرگ است که کفایت می‌کند یک بازیگر در گوشه‌ای از کار او بازی کند.

دلیل رد کردنتان چه بود؟

کاراکتر اصلا تعریف نشده بود و مشخص نبود که قرار است چه شخصیتی را تعریف کند.

به نظر می‌رسد که خودتان هم با این نوع نقش‌ها راحت‌ترید تا نقش‌های سینمای کیمیایی؟

من آن آدم‌هایی را که در سینمای پدر بازی می‌کنند را هیچ‌وقت از نزدیک ندیدم، سعی می‌کردم درکشان کنم، تمرین‌شان کنم اما به‌هرحال خودم را در قالب آنها قرار می‌دادم اما به نقش «عطا» نزدیک‌تر بودم، از این جنس آدم‌ها را زیاد دور و بر می‌بینم و لمس می‌کنم. ضمن اینکه خودم هم در زندگی شخصی‌ام مثل شخصیت‌های فیلم‌های پدر جدی نیستم و رگه‌هایی از طنز دارم، یک‌بار هم قبلا در تله فیلمی از آقای امینی نقش کوتاه طنزی بازی کردم که خودم را محک بزنم و دیدم که، نه، از پس نقش طنز برمی‌آیم. برای همین خیلی دوست داشتم این قالب را بشکنم و روی دیگر خودم را هم نشان بدهم و عکس‌العمل مردم را ببینم.

بازخوردهایی که در این مدت داشته‌اید چه‌طور بوده است؟

خیلی خوب بود، همیشه مهری که از مردم می‌گیرم چه زمانی که در تلویزیون بازی کردم و چه سینما، بی‌نظیر بوده، از این فیلم هم خیلی خوب استقبال شد.

در بعضی صحنه‌ها، بازی‌ها آنقدر غلو شده که از مدیوم سینما خارج می‌شود و به سمت طنزهای سریالی می‌رود مثل صحنه‌ای که شما دارید نوشابه را یک نفس سر می‌کشید یا صحنه آخر که روی موتور، عروس و داماد را دنبال می‌کنید.

در بیشتر صحنه‌ها عطا در کنار دو نقش دیگر تعریف می‌شود و معدود صحنه‌هایی هست که عطا فرصت دارد خودش را به‌تنهایی نشان دهد و اگر این صحنه‌ها را هم از دست می‌دادم آن وقت شخصیت عطا شکل نمی‌گرفت. ویژگی شخصیت عطا در همان غلوهایی است که می‌گویید و اگر اتفاق نمی‌افتاد شخصیت عطا در نمی‌آمد.

دقیقا چیزی را بازی کردید که کارگردان خواسته بود یا خودتان هم چیزی به نقش اضافه کردید؟

من و حمید فرخ‌نژاد بداهه‌های زیادی به کار اضافه کردیم.

قبول دارید آن مقدار که بازیگران به فیلم اعتبار داده‌اند، فیلم به آنها نکته‌ای اضافه نکرده است؟

اجازه بدهید من این سوال را جواب ندهم، به‌هر حال وقتی شما این حرف را می‌زنید یعنی اینکه انتخاب آقای سهیلی هم درست بوده و ترکیب درستی را انتخاب کرده پس در واقع او هم از این ماجرا سهم دارد یعنی درست تصمیم گرفته و اگر هر کدام از ما کنار دیگری قرار نمی‌گرفتیم این اتفاق نمی‌افتاد.

قبل از اینکه فیلم را قبول کنید با پدر مشورت کردید؟

خیر.

ترسیدید منصرف‌تان کند؟

نه، نه، ببینید ما دو جور مختلف زندگی کردیم و دو عقیده متفاوت داریم. وقتی او در انتخاب من دخالت کند و احیانا اگر کار نتیجه خوبی نداشته باشد و هیچ وقت خودش را نمی‌بخشد.

فکر می‌کنید در سینمای مسعود کیمیایی بیشتر فرصت به‌دست آوردید یا از دست دادید؟

(بعد از یک مکث طولانی) قهرمان سینمای کیمیایی بودن خودش بزرگ‌ترین فرصت است، چون این فرصت آرزوی خیلی از ستارگان سینماست اما برای من در جاهایی هم فرصت‌های زیادی را گرفته. قهرمان سینمای کیمیایی شدن برای من راه طولانی و سختی بود از سرب و تجارت و سلطان تا رییس و حکم و محاکمه در خیابان و جرم، رسیدن به این نقطه خیلی سخت بود. من در «جرم» خودم را شایسته سیمرغ می‌دانستم ولی این اتفاق نیفتاد اما درس بزرگی برای من بود و استقلالم را بیشتر کرد.

یعنی دلیل از دست دادن سیمرغ در فیلم جرم را وابستگی به سینمای پدر می‌دانید؟

این مساله بی‌تاثیر نبود.

با تجربه‌ای که از سینمای سهیلی برایتان ایجاد شد، فکر می‌کنید به سینمای پدر بر خواهید گشت یا نه مسیر جدیدی را در پیش گرفتید؟

من همیشه ریشه‌هایم در سینمای پدر را حفظ خواهم کرد. من همیشه سینمای قهرمان‌پرور را دوست داشته‌ام، سینمایی که در آن مردان باقاعده و متعهد وجود دارند. اما احتمالا در فیلم جدیدی که پدر می‌خواهد کار کند من حضور نخواهم داشت چون نقشی در سناریو نیست که با من هم‌خوانی داشته باشد.

و این روزها سرانجام گشت ارشاد از پرده برداشته شد؟

من این اطمینان را به شما می‌دهم که گشت ارشاد در این فصل اولین نمونه این اتفاق بود و مطمئن باشید ۱۰، ۱۱ فیلم دیگر در فهرست این اتفاق قرار دارند. اما به‌هرحال امیدوارم، امیدوارم این بحث‌ها برای فیلم‌های دیگر تکرار نشود.

نکته

من این اطمینان را به شما می‌دهم که گشت ارشاد در این فصل اولین نمونه این اتفاق بود و مطمئن باشید ۱۰، ۱۱ فیلم دیگر در فهرست این اتفاق قرار دارند. اما به‌هرحال امیدوارم، این بحث‌ها برای فیلم‌های دیگر تکرار نشود

عکس: امیر جدیدی، شرق

نگاه مخاطب

درباره فیلم «چیزهایی هست که نمی‌دانی»

بی‌اعتنایی نمادین

محمد موحد

■ چیزی که بیش از پیش دیدن «علی» مرا یاد آن می‌اندازد، شخصیت‌های برخی نوشته‌های ادبیات اگزیستانسیالیستی قرن بیستم فرانسه است. «مورسو» در رمان جاودانه «بیگانه» اثر آلبر کامو نویسنده فقید معاصر، «ژان باتیست کلمانس» در «سقوط»، «آنتوان روکانتین» در رمان فلسفی «تهوع» اثر ژان پل سارتر فیلسوف شهیر فرانسه و... از نظر سینمایی هم شباهت‌های فیلم با «راننده تاکسی» اثر «مارتین اسکورسیزی» و کارهای «جیم جارموش»، غیرقابل انکار است. بی‌اعتنایی‌های هیچ‌انگارانه علی که با شهود عرفی و اخلاقی ما در تضاد است، در چندین صحنه فیلم مخاطب عمیق را متعجب می‌کند و به فکر فرو می‌برد. صحنه ابتدایی فیلم که علی با بی‌تفاوتی از سوختن اتومبیلی در خارج از شهر جایی که مردی را کتک می‌زنند، می‌گذرد. جایی دیگر آشکارا از کمک کردن به زنی زیر باران سر باز می‌زند و... ژان باتیست شخصیت اصلی رمان «سقوط» در ذهنم نقش می‌بندد که در جایی از کنار مردی که قصد خودکشی داشت و روی پلی خود را به رودخانه انداخت با بی‌اعتنایی می‌گذرد که البته بر همه اهل فلسفه پوشیده نیست که نمی‌توان با عینک اخلاقیات عرفی به چنین دیدگاه‌هایی نظر افکند که اندیشه‌ای ژرف پس از آن نهفته است. در جایی از فیلم خانم دکتر (با بازی تحسین‌برانگیز لیلا حاتمی) که حسابی از تاخیر علی عصبانی است و باران شدید و تلفن‌های مکرر به او، همه دست در دست هم می‌دهند تا بر عصبانیت او افزوده شود، ناگهان از علی سوالی می‌پرسد و علی با سکوتی سرد جوابش را می‌دهد. خانم دکتر می‌گوید: جواب آدم رو نمی‌دهی به آدم برمی‌خورد. علی بعد از چند ثانیه سکوت جواب می‌دهد: منظور بدی ندارم نمی‌دانم چه بگویم! این صحنه به شدت مرا یاد مورسو شخصیت به یادماندنی رمان بیگانه می‌اندازد. برخی با اغراق داستان فیلم را عاشقانه و رمانس خواندند. با آنکه با این تلقی از داستان همدل نیستم اما نمی‌توانم منکر وجود عشق در بطن داستان باشم. در برخی از نقدها و نظرها در مورد فیلم، علی را انسانی اندوهگین و ناامید خواندند. علی با اینکه همچون دیگر همکارانش در آژانس شاد نیست و خنده‌های سطحی و دلبستگی‌های بی‌ارزشی چون دیگر مردم ندارد ولی به نظرم اصلا انسان ناامید و غمگینی نیست و عمیقا به فلاسک پر از قهوه‌اش، به اتاقش، به میز ساده با آن چراغ مطالعه و ورق و کتاب‌های روی آن و حتی به گربه‌اش عشق می‌ورزد. سیگار را ترک کرده و با احتیاط رانندگی می‌کند و... او فقط می‌خواهد زندگی کند و انتخاب‌های آگاهانه‌اش را بکند، همین.

جدول ۱۴۸۵

افقی:

۱- صبحانه- پارچه- جام معروف ۲ - کشور فلاسفه- رگ‌های ظریف بدن- ماهی ۳- نواری که از مفتول‌های نازک فلزی می‌بافند- درختی است بلند با چوبی سیاه رنگ- هرگز ۴- صفحات معروف اینترنتی- سردار رومی- خانواده‌ای پرقدرت در زمان اشکانیان ۵- صدای بلند و واضح- پروانه ماشین و هواپیما- لقب امپراتور ژاپن ۶- نخستین موشک جنگی دوربرد که اختراع «ورنر فون براون» آلمانی بود- کشوری در شمال کاراییب- ظاهر عمارت ۷- جلب‌کننده، دل‌انگیز- آتشفشان ایتالیا- پهلوان ۸- وقت و هنگام- پارچه عریض ۹- نت چهارم- کمینه و حداقل- بیخ ۱۰- انسان‌ها- فیلسوف اندلسی- بزرگ ۱۱- همسایگی- بی‌غیرت، بی‌تعصب- دو رویی ۱۲- لابه- نابودشده- جدید ۱۳- بصیر- مردم یک کشور- اذان‌گو ۱۴-موجود افسانه‌ای- ملامت سرزنش- نقصان ۱۵- از دل پر سوز برآید- داروی ملین- بالش نرم

عمودی:

۱- زیبا- بزرگوار- مستقر و برقرار کردن ۲-ضمیر سوم شخص مفرد- از نیروهای دفاع مقدس- پایتخت الجزایر ۳- نوعی ساعت- چرم مرغوب و خوش بو- شاعر قصیده‌سرای عهد قاجاریه ۴- فرق سر- پیچ تنظیم صدا- پشت و عقب ۵- روشن کردن- فراوانی- گردگرد لب و دهان ۶- واحد شمارش صابون- کنده‌کاری روی چوب – بیت‌الحرام در این شهر است ۷- دریا- متحرک- پول ژاپن- دلتنگ ۸- تحریکات شیطانی- آماده ۹- سنجش- یازده- اراده خداوندی- مخلوط با ماسه است ۱۰- همراه هرج می‌آید- امتداد یافته- پریشان ۱۱- تخم مرغ فرنگی- سم کشنده- ماده قندی که در اغلب میوه‌ها وجود دارد ۱۲- وسیله نخ‌ریسی- مسافر سرزمین عجایب- بسیار دروغگو ۱۳- متحیر- حیوان صحرانورد- سوره زنان ۱۴- موی سفیدوسیاه- بانگ جانور درنده- پشته خاک ۱۵- مقیاس طول- استاندار قدیم- گاو بزرگ

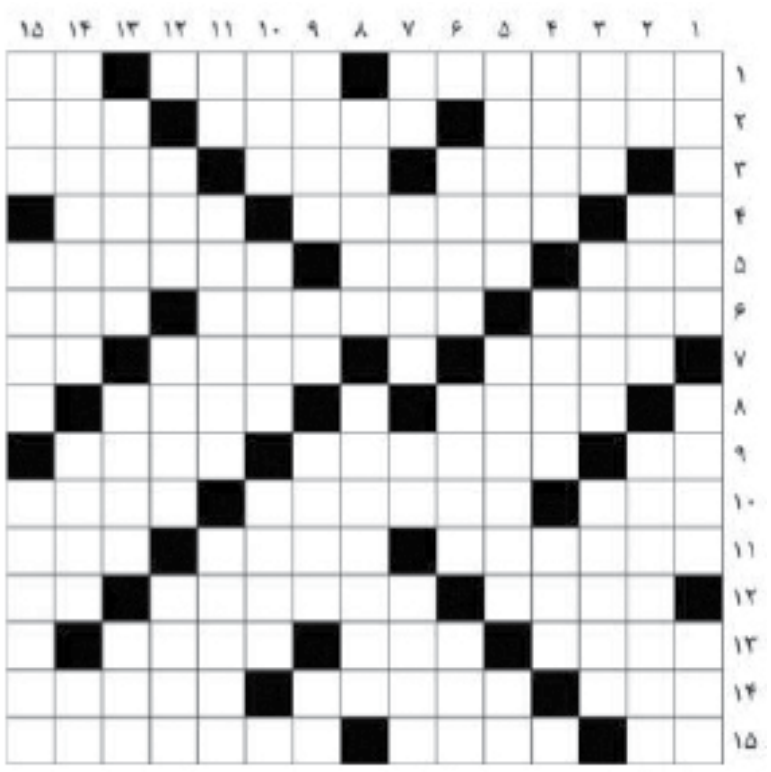

حل جدول ۱۴۸۴

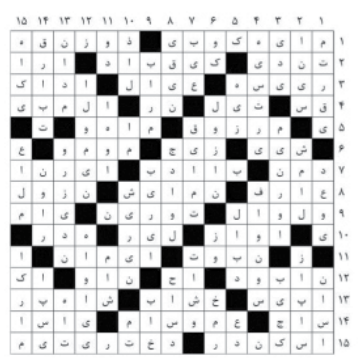

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۴۸۸

۵			۶	۸	۷	۹		۲
	۶		۳				۵	۷
		۹				۳	۸	
۱			۸		۳	۶		
۸					۴		۳	۱
		۵	۹				۲	۸
۹				۲	۶		۷	۳
		۲			۵	۱	۴	
۴			۱		۸	۲		۵

حل سودوکو ۴۸۷

۵	۶	۸	۹	۴	۱	۳	۷	۲
۷	۱	۹	۸	۳	۲	۶	۴	۵
۴	۲	۳	۶	۷	۵	۸	۱	۹
۲	۹	۴	۳	۱	۶	۵	۸	۷
۱	۵	۶	۷	۸	۹	۴	۲	۳
۸	۳	۷	۵	۲	۴	۱	۹	۶
۶	۷	۵	۴	۹	۸	۳	۳	۱
۳	۴	۲	۱	۵	۷	۹	۶	۸
۹	۸	۱	۲	۶	۳	۷	۵	۴

سودوکو سخت ۱۳۷

۳		۲	۶				۷	۹
۶		۴	۱				۳	
						۵	۶	
۸					۴			۲
۴		۳					۱	
			۸	۷	۱			
	۶				۲	۹		
۲		۹	۵	۱				
		۸	۷		۳			
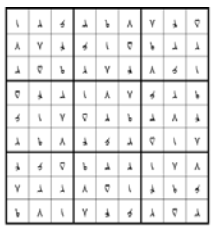
حل سودوکو سخت